

Rahe Tudeh

راه

یک هفته ضمیمه این شماره

توده

دوره دوم «۱۰۷» خرداد ماه ۱۳۸۰

فاجعه اینست!

ناوگان هوایی رفسنجانی

دادنامه همسر احسان طبری

خطاب به آیت الله منتظری

اطلاعیه "راه توده": انتخاب دوباره محمد خاتمی

"گفتگو" در شکنجه گاه

جبهه متحد ضد اصلاحات، یکپارچه علیه خاتمی و جمهوریت وارد عمل شده!

جمهوریت بله جمهوری نظامی نه!

در طول حیات ۲۲ ساله جمهوری اسلامی، هرگز طرفداران **جمهوریت** و مدافعان **حکومت**، در یک نبرد تنگاتنگ «که برکه» اینگونه آشکار و بی پرده در برابر هم صف نکشیده و مردم بر سر دو راهی انتخاب آن قرار نگرفته بودند! این انتخاب، همان **انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری** در ۱۸ خرداد است. انتخاباتی که زیر فشار سنگین مخالفان حکومتی انقلاب ۵۷، خائنین به آرمان های انقلاب ۵۷، توابین حاکمی که سخن و عمل امروز آنها با سخن و عمل آنها در سال های پیش و سال های اول پیروزی انقلاب ۵۷ از زمین تا آسمان با هم تفاوت دارد برگزار می شود.

طرفداران **نظام سلطنتی** نیز بی پرده و آشکار از خارج کشور به کمک طرفداران **حکومت مطلقه** در جمهوری اسلامی برخاسته و در همناوئی کامل با **مافیای اقتصادی-سیاسی** جمهوری اسلامی آتش پهلویی تحریم و خانه نشینی مردم را از طریق برخی رادیوهای فارسی زبان به روی جنبش مردم گشوده اند. آنها که می خواهند از دل این انتخابات و برقراری حکومت مطلقه، جمهوریت را لغو و نظام سلطنتی را در ایران احیاء کنند، عملاً دست در دست سرمایه داری سلطنت طلب خارج کشور گذاشته اند. یگانه اختلاف آنها با یکدیگر بر سر بازگشت سلطنت پهلوی و یا سلطنت روحانیت طرفدار سرکوب مردم و مدافع زمینداری بزرگ و سرمایه داری غارتگر است، والا بر سر نوع نظام و ضرورت پایان بخشیدن به انقلاب ۵۷، سرکوب و منحرف ساختن جنبش کنونی، خارج ساختن مردم از صحنه سیاسی کشور و برقراری «**حکومت مقتدر**» با هم اختلافی ندارند!

در این میان، حضور یک **ژنرال سپاه پاسداران** در صحنه انتخاباتی، یاد آور تشکیل دولت سردار سپه (رضا خان بعدی)، سرلشگر زاهدی (عامل و نخست وزیر کودتای ۲۸ مرداد) و ارتشبد ازهاری (ناجی شکست خورده سلطنت محمدرضا پهلوی در جریان انقلاب ۵۷) شده و پل های امید و پیوند بین طرفداران حکومت و سلطنت را استوارتر کرده است!

"**رهبر**" و طراحان توطئه به ریاست جمهوری رساندن یک ژنرال سپاه پاسداران و بیرون کشیدن حاکمیت خویش از زیر بار سنگین جنبش مردم و انتخاب دوباره محمدخاتمی، به متحدان خویش وعده اشراف بر امور و اطمینان از آینده و نتیجه این بازی را داده اند؛ اما علیرغم همه اطمینان خاطرها، حتی در میان پاره های روحانیون حکومتی نیز نگرانی ها نسبت به سرانجام کار رو به تشدید است! بویژه آنکه گفته می شود، **سرمایه داری بزرگ تجاری ایران و مافیای مالی جمهوری اسلامی** پشت این بازی سنگر گرفته و آگاه از سقوط رو به تشدید اعتبار روحانیون حکومتی در میان مردم، به حکومت نظامی ها، برای حفظ قدرت، برچیدن جمهوریت و اعلام "حکومت نظامی" امید بسته است!

اگر هیچ حادثه ای برای جلوگیری از انتخابات ۱۸ خرداد بوجود نیآوردند، ارتباط مردم را در یک طرح کودتائی با هم قطع نکنند و خطر این توطئه نیز بدقت برای مردم تشریح شود، از دل انتخابات ۱۸ خرداد **شکست قاطع طرفداران حکومت و پیروزی طرفداران جمهوریت** بیرون خواهد آمد.

پشت پرده شعارها چه می گذرد؟

(ص ۲۱)

جنبش اصلاحات در ونزوئلا و سوریه

(ص ۱۰)

نرمش و سازش در جنبش های انقلابی

(ص ۲۹)

"اقتدار" در زندان!

(ص ۱۵)

سلاطین نفت و گاز در چ.ا.

(ص ۸)

پیوند نان و آزادی پل پیروزی است!

(ص ۱۳)

توطئه اینست:

تبدیل «جمهوریت» به «حکومت نظامی»!

اطلاعات و امنیت که صاحب امتیاز روزنامه کار و کارگر و مشاور امنیتی محمد خاتمی است، در مطبوعات داخل کشور مطرح کرد و بسرعت از سوی مردم با استقبال روبرو شد. بنظر می‌رسد که احمد توکلی با آگاهی از همین استقبال عمومی و برای گرفتن این سوژه از دست جبهه مشارکت ایران اسلامی و حزب اسلامی کار، با این شعار وارد میدان شده تا اصلاح طلبان را خلع سلاح کند!

کاندیدای مستقیم حجتیه!

برای نخستین بار در جمهوری اسلامی و بی اعتناء به هر نوع افشاگری، انجمن حجتیه و شبکه فراماسونری جدید نیز کاندیدای خود را برای انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری به میدان فرستاده است. کاندیدای آنها سید محمود کاشانی، پسر آیت‌الله کاشانی و یار شانه به شانه دکتر حسن آیت و مظفر بقائی است. آنها می‌کوشند تا از این طریق، هم قدرت سازمانی و میزان آراء خود را برآورد کنند و هم به حضور سیاسی خود جنبه رسمی و علنی ببخشند. این محاسبه‌ایست که آنها خواهند کوشید از طریق آن حساب‌های سیاسی خود در انگلستان را روشن کنند و هم در هر نوع ائتلاف حکومتی شرکت علنی و مستقیم داشته باشند!

جناح متزلزل کارگزاران

در میان کارگزاران سازندگی، یک جناح خود را از زیر بار حمایت از خاتمی بیرون کشیده و «هاشمی طباء» را به صحنه فرستاده است. این بخش از کارگزاران به طمع جلب آراء ورزشکاران و طرفداران فوتبال هاشمی طباء را وارد میدان کرده است. آنها بزودی "علی پروین"، فوتبالیست معروف و مربی تیم پرترفدار پیروزی را برای تبلیغ به سود هاشمی طباء وارد میدان خواهند کرد. تیم پیروزی در مسابقات بزرگی که در تهران برگزار می‌شود نزدیک به ۸۰ هزار تماشاچی طرفدار دارد و این جناح کارگزاران روی این نیرو، خانواده آنها و تلاش تبلیغاتی آنها به سود هاشمی طباء و با حرف شنوی از علی پروین حساب کرده است!

تشکل‌های همسو

تشکل‌های متحد (همسو) با موتلفه اسلامی و جامعه روحانیت نیز «حسن غفوری فرد» را به میدان فرستاده‌اند. او که یکی از پیشکارهای آیت‌الله واعظ طبسی در خراسان بوده، علاوه بر تلاش جامعه مهندسين برای تبلیغات انتخاباتی به سود خویش، روی حمایت واعظ طبسی و آراء خراسان نیز حساب باز کرده است! او تا چند ماه پیش دبیرکل جامعه مهندسين، از تشکل‌های همسو بود و در کنگره اخیر این جمعیت، که در واقع یک حزب سیاسی است، جای خود را به مهندس باهنر، نایب رئیس مجلس پنجم و رئیس ستاد انتخاباتی علی‌اکبر ناطق نوری در انتخابات

توطئه علیه آراء مردم اینگونه پیش برده می‌شود!

جناح راست و مخالف اصلاحات، برخلاف چند انتخابات گذشته، این بار محاسبه شده وارد صحنه شده است. حضور ۹ کاندیدای وابسته به این جناح در انتخابات، در عین حال که از توطئه پراکنده ساختن آراء محمدخاتمی و کاهش آن خبر می‌دهد، در عین حال از اختلاف در درون این جناح هم خبر می‌دهد. آنها با یقین به شکست در انتخابات، فعلا با پیش انداختن ۹ کاندیدا سعی کرده‌اند انتخابات را به دور دوم بکشانند تا در آن صورت و با تبلیغ وسیع روی کاسته شدن آرای خاتمی در مرحله اول انتخابات، بر سر یکی از ۹ کاندیدای خود که بیشتر از بقیه رای آورده توافق کرده و برای به پیروزی رساندن او همه جانبه و متحد وارد میدان شوند. موتلفه اسلامی و بازاری‌ها روی «جاسبی» حساب باز کرده‌اند که عضو شورای مرکزی موتلفه و در واقع کاندیدای اختصاصی این جمعیت است. پول بی‌حسابی را در اختیار ستاد انتخاباتی او قرار داده‌اند. برای فریب جوان‌ها وعده برداشتن کنکور را داده و اینکه ۵۰ درصد در شهریه دانشگاه آزاد تخفیف خواهد داد! از کیسه خلیفه کمیته امداد این بخشش را وعده داده است! هنوز هیچ روزنامه‌ای از او سؤال نکرده است که اگر طرفدار ۵۰ درصد تخفیف شهریه بوده‌ای، چرا تا حالا چنین نکرده‌ای؟ فشار موتلفه اسلامی برای پخش مصاحبه زیر شکنجه علی‌افشاری، از رهبران دفتر تحکیم وحدت از تلویزیون، که با واکنش منفی عمومی روبرو شد، با هدف شکستن اعتبار دفتر تحکیم وحدت و اعتبار بخشیدن به تشکل‌های دانشجویی وابسته به بسیج و موتلفه اسلامی صورت گرفت!

کاندیدای منتقد!

احمد توکلی، که روحانیت مبارز و تشکل "رسالت" روی او سرمایه‌گذاری کرده‌اند، تاکنون با شرکت در مصاحبه‌های متعدد چهره یک اقتصاددان منتقد دولت را به خود گرفته است. همان چهره‌ای که در رقابت با هاشمی رفسنجانی به خود گرفته بود! او از دانشگاه ناتکینکهام انگلستان دکترای اقتصاد گرفته است و در آخرین دوره ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی بعنوان رقیب او شرکت

کرده بود و توانست بیش از ۳ میلیون رای از استان‌های مختلف کشور بدست بیاورد. او، این بار هم در هیات به اصطلاح مستقل در رقابت با محمدخاتمی شرکت کرده و حملات خود را با توجه به نفرت مردم از هزار فامیل روحانی در جمهوری اسلامی، متوجه آفازاده‌های اقتصادی کرده است، که از خانواده هزار فامیل روحانی‌اند. در مطبوعات جناح راست تاکنون کسی از قول او مطلبی را در مخالفت با حکومت آفازاده‌ها نخوانده بود. حکومت آفازاده‌ها را برای نخستین علی‌ریبیعی، معاون پیشین وزارت

بیشتر می‌شود و این خود به معضل جدیدی تبدیل شده و در برابر کسانی که جنبش مردم و آراء مردم را یک بحران می‌دانند و می‌خواهند با بحران مقابله کنند قرار گرفته‌است.

پست وزارت دفاع در کابینه‌های رفسنجانی و خاتمی، از جمله پست‌هایی است که وزیر آن با توافق رهبر باید معرفی شود. امری که در باره وزیر امور خارجه و وزیر اطلاعات و امنیت اجباری است! بعد از رفتن فیروزآبادی با حکم رهبر بر سر بنیاد مستضعفان، علی شمخانی از فرماندهی نیروی دریائی و بعنوان یکی از مریدان رهبر برای وزارت دفاع معرفی شد. پیش از آن، خاتمی سرلشکر «صیاد شیرازی» را برای این پست در نظر گرفته بود؛ بویژه از زمانی که او در رای گیری‌های شورائی امنیت ملی به چهره‌ای موافق اصلاحات و خاتمی تبدیل شده بود. با ترور صیاد شیرازی، وزارت علی شمخانی قطعی شد. اکنون حضور او در کارزار انتخابات ریاست جمهوری به این بهانه برای دیگر فرماندهان سپاه توجیه شده‌است که وی سابقه فعالیت کشوری دارد. یعنی در کابینه بوده و به امور قوه مجریه وارد است.

سوابق علی شمخانی

رابطه شمخانی و رهبر به سال‌های قبل از پیروزی انقلاب باز می‌گردد. به آن دورانی که علی شمخانی، بعنوان جوانی آبادانی و از شجره شیخ خزل، در دوران تبعید علی خامنه‌ای به ایرانشهر مخفیانه به دیدار او رفت. این پیوند بعدها به آنجا ختم شد که بعد از انقلاب شمخانی را نماینده علی خامنه‌ای در شورائی فرماندهی سپاه می‌شناختند و بعد هم وزیر دفاع در کابینه خاتمی شد. نقشی که تا این زمان بیشتر در پشت درهای بسته اهمیت داشت تا در برابر انظار عمومی!

از جمله تعلق‌های محمدخاتمی، در میان نگذاشتن این مناسبات در قوه مجریه با مردم و تمکین به خواست‌های رهبر برای تعیین وزرای کلیدی بوده‌است. مناسباتی که نه تنها پیوسته نقش ترمزکننده در برنامه‌های دولت داشته، بلکه اکنون از دل کابینه، چهره‌ای را بعنوان رقیب در برابر وی قرار داده‌است! همان نقشی که موجب استعفای مهاجرانی از پست وزرات ارشاد اسلامی شد!

کسانی که در تمام چهار سال گذشته، محمدخاتمی را در مقاطع مختلف مورد خطاب و انتقاد قرار دادند از همین مناسبات حکومتی و فشارهای مرسوم بیت رهبری بر کابینه و قوه مجریه بی اطلاع بوده‌اند. مناسباتی که بیت رهبری با قوه مقننه داشته و دارد و قوه قضائیه نیز عملاً خود یکسره در این مناسبات غرق است!

شمخانی در طول ریاست جمهوری رهبر کنونی جمهوری اسلامی، نماینده و بازرس ویژه وی در نظارت بر بازجوئی‌ها و پرونده‌های امنیتی در زندان‌ها بود. او در تمام سال‌های ریاست جمهوری رهبر کنونی، با در اختیار داشتن کارت ویژه اجازه ورود به بندهای محافظت شده و سلول‌های مخفی در زندان‌های توحید و اوین بود. اجازه‌ای که حتی سربازجوه‌های مهم زندان‌ها در دهه ۶۰ (از جمله علی‌فلاحیان، که بعدها وزیر اطلاعات و امنیت شد) نداشتند!

در جریان شکنجه رهبران حزب توده ایران، برای گرفتن اعتراف دروغ به «کودتا» (مراجعه کنید به نامه ۱۴ صفحه‌ای کیانوری به علی خامنه‌ای در سایت راه توده و یا شماره ۹۱ راه توده)، وقتی کیانوری در زیر شکنجه حاضر به این اعتراف دروغ نشد، در یکی از ۱۸ شبی که وی را دست بند چپانی می‌زدند تا بگوید حزب توده ایران قصد کودتا داشته، علی

دوره هفتم ریاست جمهوری داد. انتخاباتی که به شکست سنگین ناطق نوری ختم شد!

پزشکان

«شهاب‌الدین صدر» نیز برای کسب آراء پزشکان، کارکنان بیمارستان‌ها و خانواده‌های وابسته به آنها به میدان آمده‌است.

آراء کارکنان شهرداری‌ها و شوراه

«سید منصور رضوی» را، که یگانه عضو شورائی شهرتهران از جناح راست است، برای کسب آراء کارکنان شهرداری‌ها و شوراهای شهرها به صحنه آورده‌اند. پشتوانه تبلیغاتی او، حضور در کابینه میرحسین موسوی است. او در انتخابات شوراهای شهر تهران توانست با تبلیغ روی همین حضور از مردم تهران رای گرفته و عضو علی‌البدل شورائی شهرتهران شود. بعد از زندانی شدن عبدالله نوری، ترور حجابیان و یک سلسله فعل و انفعالات دیگر در شورائی شهرتهران، او به تنها عضو جناح راست در شورائی شهرتهران تبدیل شد.

جمهوری نظامی!

حساب فرمانده سابق نیروی دریائی و وزیر دفاع کابینه خاتمی «علی شمخانی» از حساب همه آنها که در بالا نام و ماموریتشان توضیح داده شد جداست! او کاندیدای تام و تمام "رهبر" است. رهبر در انتخابات دوره هفتم، در حمایت علنی و رسمی از ناطق نوری، بعنوان کاندیدای موقوفه اسلامی و جامعه روحانیت اجتناب ورزید و به حمایت تلویحی او، بعنوان کاندیدای اصلح کفایت کرد. این احتیاط به سود او تمام شد، زیرا حمایت آشکار او از ناطق نوری در سرانجام او هیچ تاثیر مثبتی نمی‌توانست داشته باشد و در آن صورت مردم با رای ندادن به ناطق نوری، عملاً به رهبر رای ندادند و به این ترتیب "رهبر" به رای عمومی گذاشته شده و شکست خورده بود!

پس از انتخابات و اعلام شکست ناطق نوری، شدیدترین انتقادات، از سوی حامیان ناطق نوری متوجه رهبر شد. آنها اعتقاد داشتند که در صورت اعلام اصلح بودن ناطق نوری از سوی رهبر، دیگر نیازی به رای گیری نبود و خاتمی باید به سود ناطق کنار می‌رفت و رئیس جمهوری با ۲۰ میلیون رای روی دستشان نمی‌ماند!

این بار و بر سر رد صلاحیت خاتمی در شورائی نگهبان و جلوگیری از تکرار انتخاب او توسط مردم، توافق و تعهدی بین رهبر و مخالفان اصلاحات صورت گرفت. به موجب این توافق قرار شد خاتمی رد صلاحیت نشود، اما همه با هم علیه رای او وارد عمل شوند و همان نتیجه‌ای بدست بیاید که شورائی نگهبان با رد صلاحیت خاتمی در پی آن بود. بیم از عکس‌العمل سپاه پاسداران و بسیج از یک طرف و ضرورت شرکت دادن آنها در قوه مجریه و جلوگیری از ریخته شدن آراء آنها به سود خاتمی در صندوق‌ها به "رهبر" سپرده شد!

تعلل‌هایی که دیگر نباید تکرار شود!

نامزدی «علی شمخانی» برای انتخابات ریاست جمهوری دوره هشتم، از دل این توافق بیرون آمد. توافقی که اکنون روز به روز مخالفت با آن از سوی برخی فرماندهان نظامی و روحانیون حوزه‌های دینی آشکارتر و

تمام چهار سال گذشته مشوق یورش به مطبوعات و دستگیری اصلاح طلبان بودند و فرمانده کل سپاه پاسداران که از همان ابتدای پیروزی خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری وعده زدن گردن و بریدن زبان‌ها را داده بود، امروز که با یورش به ملی-مذهبی‌ها و بسته شدن بسیاری از مطبوعات تبسم خاطر بر لب دارند، اینک ناظر بی عکس‌العمل افتادن میوه رسیده به دامان "رهبر" و "علی شمخانی" باقی خواهند ماند؟ دور رقابت‌ها بین روحانیون حکومتی، وارد دور جدید رقابت بین فرماندهان سپاه برای در اختیار گرفتن قوه مجریه نخواهد شد؟ روحانیون حوزه‌های علمیه تن به سپرده شدن اختیار خود بدست نظامی‌ها خواهند داد؟ هیچیک از آنها نسبت به سرانجام آنچه که در بیت رهبری می‌گذرد و به ساحل رسیدن کشتی که رهبر سکان آن را در اختیار گرفته دچار تردید نخواهند شد؟

همین تردیدها و دلهره‌ها موجب شده‌است تا علی‌شمخانی پیش از هر جای دیگری به شهر قم سفر کند و به روحانیون و طلاب قم اطمینان خاطر بدهد. او در اولین سخنرانی انتخاباتی‌اش در شهر قم و در اجتماع طلاب و روحانیون این شهر، ضمن حذف جمهوری‌ت و تاکید بر حکومت گفت: «هر زمان، در هر کجا که نیاز باشد من حضور پیدا خواهم کرد و ضرورتی که مرا به عرصه انتخابات کشانده، علاوه بر پایداری و دفاع و حفظ خط امام(ره) ضرورت احیاء و گسترش یک **حکومت دینی** است.» - کیهان ۳۱ اردیبهشت (۸۰)

حسادت‌ها و رقابت‌ها!

تردیدها و بحث‌ها در میان فرماندهان سپاه (بویژه بدنه سپاه، بسیج و ارتش) و همچنین حوزه‌های دینی را می‌توان در برخورد احتیاط آمیز دو روزنامه کیهان و رسالت با حضور شمخانی در انتخابات ریاست جمهوری پیگیری کرد. این دو روزنامه، برخلاف آنچه انتظار می‌رفت، تبلیغ چندانی برای شمخانی نمی‌کنند و میدان را برای روزنامه جمهوری اسلامی خالی گذاشته‌اند که صاحب امتیاز آن "رهبر" است! حتی خبری که چند خط بالاتر از کیهان نقل کردیم، در انتهای یک ستون بی‌اهمیت در صفحه ۲۲ این روزنامه به چاپ رسیده‌است. با آنکه برای علی فلاحیان، حتی شناسی در حد عبدالله جاسبی و علی‌شمخانی نیز وجود ندارد، کیهان و رسالت همچنان چشم امید به وی دارند و روی اعمال نفوذ و قدرت قوه قضائیه و محفل پر قدرت «حقانی» برای هموار کردن راه دشوار علی فلاحیان حساب می‌کنند! فلاحیان به اعتراف خودش کاندیدای محفل حقانی است!

در برخی محافل گفته می‌شود که بزودی حرف‌ها و وعده‌های عجیب و غریب از سوی علی‌شمخانی و با هدف جلب آراء جوان‌ها عنوان خواهد شد. او این حرف‌ها را با استفاده از کارت سفیدی که از رهبر و بیت او، برای آوردن رای گرفته مطرح خواهد کرد. از جمله در باره مسائل مربوط به روابط دختر و پسر، آزادی ماهواره و ...!

بودجه تبلیغاتی شمخانی!

هزینه انتخاباتی شمخانی مستقیماً از بیت رهبری تامین می‌شود. این بیت ماهانه ۳ میلیارد تومان بودجه دارد که سهم عمده آن از اضافه قیمت اتومبیل‌های مونتاژ داخلی، بویژه «پراید» - اتومبیل کره‌ای که در سالهای اخیر جایگزین پیکان شده - تامین می‌شود. قیمت صادراتی پراید ۳۲۰۰ دلار، یعنی دو میلیون تومان است، اما در ایران ۴ میلیون تومان قیمت دارد که ۱٫۵ میلیون آن بابت هر اتومبیل

شمخانی به نمایندگی از ریاست جمهوری وقت (رهبر کنونی جمهوری اسلامی) وارد اتاق شکنجه شد و پرسید: چرا اعتراف نمی‌کنید که قصد کودتا داشتید؟

کیانوری، که شمخانی را پیش از دستگیری می‌شناخت و با چهره‌اش آشنا بود می‌گوید: من زیر بار این دروغ نخواهم رفت! شمخانی با زدن یک سیلی به صورت کیانوری می‌گوید: راست است!

او آمده بود تا خبر صحت کودتا را برای ریاست جمهوری ببرد و به همین دلیل، بی‌اعتناء به انکار کیانوری، او خبر کودتا را برای ریاست جمهوری برد تا به مقامات دیگر اطلاع بدهد!

«پوتین» جمهوری اسلامی!

بعد از انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری، شمخانی از سپاه به دولت منتقل شد تا در کنار خاتمی و کابینه او نقش چشم و گوش رهبر را بازی کند. بسیاری از فرماندهان سپاه بر این تصور بودند که او در مقام وزیر دفاع، معاونان وزارتخانه خود را از میان فرماندهان ارتش انتخاب خواهد کرد، اما او به توصیه رهبر، همه معاونان خود را از سپاه انتخاب کرد. کوشش او برای جلب حمایت سپاه برای چنین روزگاری بود. روزگاری که او بعنوان «پوتین» جمهوری اسلامی به صحنه آمده است!

این نکته‌ایست که اسدالله بادامچیان نیز به قلم خود در نشریه "شما"، ارگان موتلفه اسلامی نوشت. عضو رهبری موتلفه و دبیر اجرائی این جمعیت نوشت: «برای از دست نرفتن کشور، به یک «پوتین» نیاز داریم!» روزنامه انتخاب، که هدایت کنندگان آن طرفدار «خط اعتدال در توسعه» اند و به توصیه برژینسکی می‌خواهند عمل کنند و اکنون در برابر خواست جورج بوش برای تشکیل یک «دولت مقتدر» در جمهوری اسلامی قرار گرفته و بیمناک شده‌اند در تاریخ ۲۷ اردیبهشت نوشت: «دلیل آمدن شمخانی جمع آوری رای نظامیان و همین‌طور ساکنان مناطق جنوبی کشور است»

حکومت مقتدر و اقتدار ملی!

طرح تئوری «اقتدار ملی» توسط رهبر، برای طرفداران اعتدال هم جای تردید باقی نگذاشته‌است که شمخانی برای تحقق خواست جورج بوش و تحقق تئوری "اقتدار ملی" به صحنه آمده‌است و این بار کاندیدای بیت رهبری مستقیماً وارد میدان شده‌است!

هفته‌نامه «پیام‌نو» که اخیراً در چارچوب نشریات دوم خرداد می‌منتشر می‌شود، به صراحت تمام نوشت: «شمخانی که یک نظامی است، بخوبی می‌داند که حضورش در عرصه سیاست با این یونیفورم سپید و سردوشی‌های طلائی، در حوزه‌های خبر پایتخت چه مقدار تاثیر خواهد داشت. داشتن روحیه‌های خاص در مردم شهرستان‌ها که خواهان کسی هستند که با اقتدار افسار کشور را بدست‌گیرد و این لباس نظامی برایشان معنائی مهم خواهد داشت!» (پیام نو شماره ۵ - ۳۰ اردیبهشت ۸۰)

این روزها آن تعداد از فرماندهانی که پای صفحه تلویزیون نشسته و ژنرال «ارشاد» وطنی و یا «پوتین» روسی را در سیمای علی لاریجانی می‌بینند، چه احساسی دارند؟ رضایت خاطر و یا حسادت؟ پاسخ این سئوالات را آینده خواهد داد! سرانجام انقلابی عظیم و مردمی، پس از ۲۲ سال به حکومتی نظامی ختم خواهد شد؟ آن فرماندهان سپاه که در

مرکزی خودش را روی پرچم سه رنگ چاپ کرده‌است. در اشاره به همین ترفند، در دانشگاه‌ها، دانشجویان عضو بسیج و عضو انجمن‌های اسلامی وابسته به جناح مخالف اصلاحات زیر فشار این جمله که روی در و دیوار نوشته شده قرار گرفته‌اند: «کاندیدای مولفه به زبان مادری‌اش شعار داده!»

قرعه کشی - سیمای جمهوری اسلامی به بهانه قرعه کشی نام‌ها، برنامه تبلیغاتی محمدخاتمی را به آخرین ساعات شب منتقل کرد و احمدتوکلی و سردار سپاه پاسداران "شمخانی" را در راس نامزدها قرار داد و بیشترین وقت تبلیغاتی را برای آنها تنظیم کرد.

خاتمی و سیمای لاریجانی - پیش از باصلاح قرعه کشی برای حضور نامزدهای انتخاباتی در تلویزیون، سیمای جمهوری اسلامی برای شرکت در مصاحبه مربوط به انتخابات از محمدخاتمی نیز دعوت کرد، که وی این مصاحبه را نپذیرفت و گفت که اساساً با تلویزیون صحبت نمی‌کند. علی‌لاریجانی به دست و پا افتاد و از بالا (!) و به این بهانه که مردم تصور خواهند کرد شما تبلیغات انتخابات را تحریم کرده‌اید و چنین استنباطی در خارج از ایران به ضرر کشور است، از خاتمی خواسته شد که در مصاحبه شرکت کند. او مصاحبه را پذیرفت، اما نه با حضور در ساختمان تلویزیون. به همین دلیل تلویزیون دکور و فیلمبردار به دفتر محمدخاتمی فرستاد!

ضرورت بیداری - از دیروز پلاکاردهای انتخاباتی حزب اسلامی کار و خانه کارگر نیز با شعار «بیداری را پاس بداریم» وارد خیابان‌ها شد. این شعار جهت گیری صریح ندارد، اما مردم از آن مفهوم ضرورت بیداری در برابر توطئه شکستن و پراکنده کردن رای مردم را استنباط کرده‌اند!

تدارک سخنرانی خاتمی - در تهران تدارک وسیعی برای برگزاری مراسم سخنرانی خاتمی برای مردم در استادیوم شیروزی (امجدیه سابق) شروع شده‌است. در محلات مختلف جوان‌ها برای این گردهم‌آئی و دعوت مردم به شرکت در آن بسیج شده‌اند. این مراسم قرار است روز دوشنبه برگزار شود. (راه‌توده تلاش خواهد کرد تا گزارش اختصاصی از این گردهم‌آئی تهیه و در این صفحه ارائه کند!)

احتیاط اجباری - جبهه مشارکت ایران اسلامی، که شدیداً زیر فشار است تا تحرک انتخاباتی‌اش کنترل و کم‌توان شود، بر بالای ستادهای انتخاباتی خود شعار «۱۸ خرداد- اصلاحات آری» را آویخته‌است.

رئیس جمهور نظامی - علی‌شمخانی که با لباس تیمساری نیروی دریائی در تلویزیون ظاهر شده و می‌خواهد نقش ناجی نظامی کشور بازی کند، در همان نخستین مصاحبه مطبوعاتی‌اش به گونه‌ای زیر رگبار پرسش‌ها قرار گرفت که ناچار شد اعتراف کند از بیت رهبری ماموریت دارد و رهبر پشت سرش ایستاده‌است!

در این مصاحبه چند تن از خبرنگاران با صراحت پرسیدند: راست است که شما از طرف رهبر مامور شرکت در انتخابات شدید؟ شمخانی که نظامی است و مطابق قانون اساسی و حتی وصیت‌ها و توصیه‌های آیت‌الله خمینی، نظامی‌ها نباید در امور سیاسی وارد شوند، با اشاره به اینکه رهبر فرمانده کل قواست و او زیر دست وی

سهم دفتر رهبری است! این درآمد سه میلیاردی اکنون در اختیار دریاداری قرار گرفته که در لباس ناخدائی، می‌خواهد سکان کشتی در گل نشسته مخالفان جنبش مردم را در اختیار گرفته و آن را به ساحل برساند!

سهم خارج از کشوری‌ها

در این کارزار دشوار و پرمخاطره‌ای که در داخل کشور علیه جنبش مردم و شخص محمدخاتمی سازمان داده شده تا به هر قیمت ممکن رای یکپارچه مردم در هم شکسته شده و به حضور یک روحانی منتخب مردم در حاکمیتی که قدرت در آن بصورت انتصابی تقسیم شده خاتمه داده شود، سهمی را هم اپوزیسیون خارج از کشور و بویژه رادیوهای فارسی زبان برعهده دارند.

برخی سازمان‌های سیاسی ماوراء چپ، شانه به شانه سلطنت‌طلب‌ها انتخابات را تحریم کرده‌اند و بخشی نیز با اما و اگرهایی که بیگانه با اوضاع داخل کشور است، شرکت خود در انتخابات را اعلام داشته‌اند. در میان رادیوهای فارسی زبان نیز، رادیوئی که از امریکا بمدت دو ساعت مستقیماً برای ایران برنامه پخش می‌کند، با تمام نیرو علیه شرکت مردم در انتخابات تبلیغ می‌کند. یعنی همان سیاستی که مخالفان اصلاحات و جنبش مردم در داخل کشور دارند و می‌کوشند در عین حال که آراء سازمانی خود را (مطابق شرحی که در بالا داده شد) میان کاندیداهای ۹ گانه خود کسب کنند، مردم بی‌سازمان و پراکنده را، که در صورت رفتن پای صندوق‌ها به خاتمی رای خواهند داد خانه نشین کنند! سیاست تحریم، که همان خانه نشین کردن مردم است، طی بیانیه‌هایی بنام گروه مهندس طبرزدی و یا بنام یک تشکل دانشجویی وابسته به او، در خارج کشور منتشر و از سوی این رادیو مرتب پخش و تبلیغ می‌شود! مخالفان جنبش که می‌کوشند دفتر تحکیم وحدت را فلج کنند تا نتواند جنبش دانشجویی را برای فراخواندن جوانان به صحنه و رای به خاتمی دعوت کند، با خرسندی تمام از اطلاعاتیه‌هایی که توسط گروه طبرزدی و برای تحریم انتخابات صادر می‌شود استقبال می‌کند و از رادیو صدای ایران (معروف به رادیو قائم مقامی) که از امریکا برنامه برای ایران پخش می‌کند کمال بهره را می‌برد! به این ترتیب، دو دست راست (سلطنت طلب‌ها و جبهه مخالفان جنبش در داخل کشور) همدیگر را فشرده‌اند!

اخبار انتخاباتی جبهه متحد ضد اصلاحات!

یورش پوسترها - تبلیغات انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری با یورش میلیون‌ها پوستر «عبدالله جاسبی»، رئیس دانشگاه آزاد و عضو شورای رهبری جمعیت مولفه اسلامی به خیابان‌ها شروع شد! شعارهای انتخاباتی عبدالله جاسبی روی پرچم سه رنگ ایران چاپ شده و عکس وی روی قسمت قرمز پرچم! روی تابلوهای انتخاباتی وی این جمله نیز به انگلیسی نوشته شده‌است: «دانش قدرت است!». به این ترتیب، مولفه اسلامی که پرچمدار مبارزه با ملی‌گرائی و غرب ستیزی است، برای فریب دانشجویان شعارش را به زبان انگلیسی نوشته و عکس عضو شورای

را تحت تاثیر قرار داد. اگر این هواپیما بدون هرگونه دخالت مخالفان جنبش و تحولات هم سقوط کرده باشد، مردم در کوچه و بازار این رویداد را هم به حساب مافیای اقتصادی-سیاسی گذاشتند.

شناخته شده‌ترین نماینده‌ای که در این حادثه جان باخت "قربانعلی قندهاری"، نماینده گرگان در مجلس ششم و عضو فراکسیون همبستگی در مجلس بود. مردم می‌دانند که او از مقلدین آیت‌الله منتظری بود و از بیان این امر نیز پروائی به خود راه نمی‌داد. حتی گفته می‌شود که ویراستاری کتاب خاطرات آیت‌الله منتظری را نیز او برعهده داشته و نقش مهمی در راه‌اندازی سایت آیت‌الله منتظری روی شبکه اینترنت داشته است. او در دوران شاه بارها به جرم ارتباط با آیت‌الله منتظری و تقلید از آیت‌الله خمینی به زندان رفت و پس از پیروزی انقلاب نیز از جمله روحانیونی بود که بدنبال پول و مقام نرفت و به آرمان‌های این انقلاب، در حد باورهای سیاسی-مذهبی خود وفادار باقی ماند. پس از انتخابات دوم خرداد ۷۶ که منجر به پیروزی محمدخاتمی شد، او از چهره‌های فعال دوم خردادی بود و در سخت‌ترین روزهای ۴ سال گذشته، زیر فشار جبهه ارتجاع-بازار صحنه را ترک نکرد. به همین دلیل در انتخابات مجلس ششم با رای بالای مردم گرگان به مجلس رفت و رئیس کمیسیون ۵۰ نفره حزب همبستگی شد. حزبی که مشهور به داشتن تمایلات سوسیال دموکراسی اسلامی است. شرکت مردم در عزاداری مربوط به سقوط هواپیما بویژه در استان گلستان- که فضای انتخاباتی را تحت تاثیر خود گرفت و باعث شرکت رهبر در تشییع جنازه قربانیان حادثه شد، فقط در عزای ناشی از حادثه خلاصه نمی‌شد. این نکته را مخالفان اصلاحات که خیال تقسیم رای مردم در انتخابات ۱۸ خرداد و پائین آوردن آراء محمدخاتمی را دارند هم متوجه شدند. مردم در پس این حادثه، که محمدخاتمی آن را «فاجعه بزرگ» خواند، دست‌های غارتگری را دیدند که ثروت کشور و امکانات آن را بدون کمترین دغدغه‌ای از حساب پس دادن به ملت به یغما برده‌اند. روزنامه همبستگی که سخنگوی حزب همبستگی است، در سر مقاله خود تحت عنوان «چه کسی پاسخگوست؟» نوشت: «هوایماهایی که از چهار سال پس از تولید آن با سقوط‌های پیاپی همراه بوده‌است و تاکنون ۹۰ فروند آن، هر ساله ۳ فروند سقوط کرده‌است براساس کدام نظر کارشناسی در دستور کار اجاره شرکت "فراز قشم" قرار گرفته است، ماهیت شرکت فراز قشم چیست؟» (۳۱ اردیبهشت ۸۰)

همبستگی از بیم توقیف خود به این پرسش پاسخ نداد، اما بسیاری در جمهوری اسلامی می‌دانند که این شرکت متعلق به خانواده رفسنجانی است و ۹۰ فروند هواپیمای یاد شده که همگی از دور خارج بوده‌اند، با دلارهای دولتی خریداری شده‌اند و بدون اینکه کسی جسارت نظارت و پرسش را داشته باشد به ناوگان هوایمائی خانواده رفسنجانی اضافه شده‌اند. در جمهوری اسلامی حوادث مشابه سقوط هواپیمای نمایندگان مجلس ششم بسیار اتفاق افتاده‌است و بسیاری از نمایندگان مجلس یا ترور شده‌اند، یا در سقوط هواپیما کشته شده‌اند و یا در انفجار حزب جمهوری اسلامی کشته شده‌اند. بنابراین وقتی محمد خاتمی این حادثه را «فاجعه بزرگ» خواند، اشاره او باید به همین فاجعه غارت کشور و پاسخگو نبودن دست‌های آلوده به غارت باشد، که شورای مصلحت نظام، شورای نگهبان، بیت رهبری، بنیادها عظیم مالی، قوه قضائیه، حوزه‌های علمیه، جامعه روحانیت و در کنترل خود دارند و از آنها بعنوان ابزار قدرت حکومتی برای همین پاسخگو نبودن استفاده می‌کنند. فاجعه اینست!

محسوب می‌شود گفت: «من به عنوان یک نظامی وظیفه داشتم از رهبری به عنوان مافوق خود کسب تکلیف کنم و روز جمعه با ایشان صحبت کردم، رهبری نیز در جواب بنده گفتند «همانطور که به دیگر کاندیداها گفته‌ام، من باحضور شما در صحنه انتخابات مخالفتی ندارم.» اما این که من دارای یک ماموریت هستم، این بحث، بحث دیگری است» (نوروز ۲ خرداد ۸۰)

شمخانی که کارت سفید دارد تا هر چه می‌خواهد بگوید و هر کجا می‌خواهد برود، برای توجیه مراجع تقلید نسبت به حضور یک نظامی در صحنه انتخاباتی به شهر قم سفر و با برخی علما دیدار کرد. در کنار انواع وعده‌ها و دلالی که او به علما داد و ارائه کرد، پس از این دیدار در مصاحبه‌ای گفت: «رای مردم خوزستان به نام فرزندشان صادر خواهد شد. همه آرای خوزستان مال من خواهد بود. من به مردمی که از زندگی کنکوری و پر از دغدغه و نگرانی خسته شده‌اند فکر می‌کنم!» او، که خود خوزستانی است، به این ترتیب و رسماً اعتراف به حضور در انتخابات، برای شکستن رای خاتمی در خوزستان کرد!

نگران کودتاهای نظامی - حضور شمخانی در صحنه انتخابات ریاست جمهوری، حتی به اعتراف خود وی، ابتکار "رهبر" و با اجازه او بوده‌است. در این ابتکار، علاوه بر شکستن رای خاتمی در خوزستان، جلب آرای نیروهای نظامی نیز در نظر بوده‌است، بویژه آنکه نظر سنجی‌های اخیر نشان داده بود ۷۵ درصد بدنه نیروهای نظامی می‌خواهند به خاتمی رای بدهند. این ابتکار رهبر، در شهر قم و در میان علما بی‌م و هراس از ورود نظامی‌ها به عرصه سیاسی و رقابت فرماندهان سپاه با یکدیگر (کودتا علیه هم و یا کارشکنی در کار یکدیگر) را به همراه آورده‌است. آنها برای "رهبر" پیغام فرستاده بودند که چه تضمینی وجود دارد که کار نظام به کودتاهای نظامی کشیده نشود و با کودتای نظامی‌ها علیه هم، بالاخره روحانیت از صحنه حذف شود؟ این سؤال از «رهبر» و ابتکار او برای پیش کشیدن یک فرمانده سپاه پاسداران و تلاش برای نشان دادن او بر مسند ریاست جمهوری وقتی جدی شد، که چند تن از فرماندهان سپاه پاسداران عدم رضایت خود از رئیس جمهور شدن شمخانی را به آنها اطلاع داده و گفته بودند که با همه اعضای شورای فرماندهی سپاه در این مورد مشورت نشده‌است!

سقوط هواپیمای حامل وزیر راه و نمایندگان دوم خردادی مجلس!

ناوگان غارت هوایی خانواده هاشمی!

سقوط هواپیما حامل نمایندگان دوم خردادی مجلس ششم در ارتفاعات شمال کشور، که با مرگ ۳۰ نفر همراه شد موجی از غم و نفرت را در جامعه ایجاد کرد و برای چند روزی فضای انتخابات ریاست جمهوری

عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی تا تحقق شرایط آمریکا رد شد!

امریکا می خواهد، آقایان گردن می گذارند!

امریکا با تقاضای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی مخالفت کرد. این تقاضا، تقریباً یکسال ونیم پیش شده بود، اما یک هفته قبل از فرا رسیدن موعد بررسی از سوی وزیر خارجه به اطلاع مردم رسیده بود. آنهایی که ماموریت به انجام رساندن طرح عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی را بر عهده دارند، تاکنون دلائل مخالفت آمریکا با عضویت ایران را رسماً به اطلاع مردم نرسانده‌اند و آن را برای چانه‌زنی‌های پشت پرده نگهداشته‌اند! این محافل در حالیکه همه جانبه برای رفع موانعی که آمریکا آنها را بعنوان دلائل مخالفت خود مطرح کرده فعالیت می‌کنند، در تبلیغات خود به طور ضمنی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، که یک پیروزی بزرگ برای آمریکا خواهد بود را بعنوان یک سیاست ضد امریکائی تبلیغ می‌کنند!

در نشست بررسی تقاضای عضویت ایران، آمریکا و اتحادیه اروپا مشترکاً تقاضای ایران در سازمان تجارت جهانی را موکول و مشروط به انجام تغییرات زیر در قوانین کشور کرده‌اند:

- ۱- رفع همه موانع قانونی، از جمله موانع مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی، در زمینه فعالیت بخش خصوصی؛
- ۲- وضع قوانین جدید در تضمین سرمایه و سود سرمایه‌گذاران خارجی؛
- ۳- وضع قوانین جدید در حمایت از ایجاد بانک‌ها و شرکت‌های نیمه خصوصی؛
- ۴- وضع قوانین در حمایت از مالکیت فکری؛ (ترجمه کتاب، کشف دارو و تولید بدون اجازه از شرکت‌های مونوپل آن و ۰۰۰)
- ۵- وضع قوانین مشخص در زمینه تجارت الکترونیکی؛
- ۶- تغییر قانون کار کشور؛
- ۷- حذف هر نوع تعرفه مقداری (غیر ارزی) بر واردات که شامل محدودیت ورود گندم، برنج، شکر و دیگر محصولات می‌شود که در ایران تولید می‌شود.

تحقق خواست‌های آمریکا

این تقاضای جمهوری اسلامی و رد آن از سوی آمریکا، همراه با شرایطی که برای تجدید نظر در آن اعلام شده به بخشی از بده بستان‌های سیاسی با آمریکا و دسته بندی‌های سیاسی در جمهوری اسلامی تبدیل شده‌است. دسته‌بندی‌هایی که از چهار سال پیش، ابتدا و بدنبال سخنرانی "سایروس ونس"، وزیر خارجه اسبق آمریکا در نیویورک و تاکید وی بر ضرورت شکل‌گیری "خط اعتدال در توسعه" در حاکمیت جمهوری اسلامی در مواضع روزنامه "انتخاب" بروز کرد و سپس بدنبال سخنرانی "جورج بوش"، رئیس جمهور جدید آمریکا مبنی بر ضرورت شکل‌گیری یک حکومت مقتدر در جمهوری اسلامی، در نطق رهبر و تاکید وی بر "اقتدار ملی" بروز کرد! در پذیرش خواست «سایروس ونس» روزنامه‌ها بسته شدند و زمزمه تشکیل یک مرکز هدایت اصلاحات شروع شد و برای پذیرش و تحقق خواست جورج بوش برای تشکیل «دولت مقتدر» یورش

به ملی-مذهبی‌ها سازمان داده شد و سپس یک فرمانده سپاه پاسداران - «شمخانی» برای ریاست جمهوری در نظر گرفته شد!

در حقیقت و علیرغم شعارهای توخالی که از سوی مخالفان اصلاحات و جنبش مردم سر داده می‌شود، آنها هر سازی که آمریکا به صدا در آورده با گوش جان شنیده‌اند و آن را فرصتی برای جلب حمایت آمریکا یافته‌اند!

از آنجا که مهم‌ترین روابط تجاری و اقتصادی در جمهوری اسلامی بصورت مافیائی صورت می‌گیرد و هرگز بصورت شفاف و صریح، حتی در مجلس شورای اسلامی نیز طرح نمی‌شود تا نمایندگان بدانند، رد پای بده بستان‌های سیاسی را باید در برخی خبرها و گزارش‌های مندرج در مطبوعات داخل کشور جستجو کرد. در ارتباط با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی، ابتدا باید بخاطر آورد که ناطق نوری با اعزام محمداولادریجانی به انگلستان (و از این طریق به آمریکا) پیام فرستاده بود که تمام زمینه‌های تحقق این عضویت را در صورت رسیدن به ریاست جمهوری فراهم خواهد کرد! او در انتخابات شکست خورد، اما این خط و اراده از سوی مخالفان جنبش ادامه پیدا کرد و بخش مهمی از فشار به مطبوعات و تلاش برای بستن فضای سیاسی اندکی که باز شده با هدف کشاندن این مناسبات به پشت پرده سپاه سانسور و بی‌خبر نگهداشتن مردم است.

روزنامه همبستگی، که آن را سخنگوی سوسیال دموکراسی اسلامی در جمهوری اسلامی می‌شناسند، در تاریخ ۶ فروردین در گزارشی با عنوان «امریکا مانع اصلی عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی» نوشت: «یک مشاور ارشد سازمان تجارت جهانی گفت که امریکا به عنوان یک مانع اصلی، با عضویت ایران در این سازمان مخالف است. وی در خصوص اقداماتی که باید از سوی ایران برای عضویت در سازمان تجارت جهانی انجام شود گفت: ایران باید از طریق یک روند حمایتی و پشتیبانی و از طریق دوستان مشترک، امریکا را به مذاکره در باره عضویت خود در سازمان تجارت جهانی وادار کند.»

در گزارش همبستگی سپس می‌خوانید: «گری سیک، مشاور امنیت ملی جیمی کارتر، رئیس جمهور اسبق امریکا، در باره دلائل مخالفت امریکا با عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی چنین گفت: من نمی‌دانم امریکا واقعا مخالف چنین عضویتی هست یا خیر، اما برداشت من آن است که اولاً ایران تقاضای رسمی خود را به سازمان تجارت جهانی ارائه کرده است، ولی شرایطی که برای عضویت در این سازمان لازم است را ارائه نکرده‌است! گری سیک با اشاره به مقررات خاص سازمان تجارت جهانی اظهار داشت که هر کشوری باید در ارتباط با سیستم مالیات و تعرفه‌ها مقرراتی را رعایت کند که مشمول عضویت در سازمان تجارت جهانی شود. برای مثال ایران عضو معاهده حفظ حقوق و آثار مادی و معنوی (حق مالکیت فکری) نیست و این خود مانع بزرگی محسوب می‌شود.»

ترجمه ساده این گزارش روزنامه همبستگی که می‌توان آن را نظری همسو با موفقه اسلامی و ناطق نوری دانست، آنست که ایران با گردن نهادن به شرایط امریکا، می‌تواند آن کشور را به موافقت با پذیرش ایران در سازمان تجارت جهانی وادار کند!

این نوع گزارش‌ها را علاوه بر روزنامه همبستگی، می‌توان در روزنامه‌های جمهوری اسلامی، رسالت، ابرار، جام و کیهان نیز خواند. یعنی روزنامه‌های سخنگوی ضد اصلاحات و بلندگوی جناحی که با آزادی مخالف‌اند، ولی چون نمی‌توانند رسماً با آزادی‌ها، بعنوان یکی از سه شعار اصلی انقلاب بهمین ۵۷ مخالفت کنند، برای این مخالفت نام مبارزه با لیبرالیسم را یافته‌اند!

پشت پرده مذاکرات و معاملات نفتی چه می‌گذرد؟

سیاست‌های نفتی کشور را مردم باید تأیید کنند!

الف. آذرنگ

در روزهای پایانی بهمن ماه سال گذشته، همایش «سایه نفت بر پهنه ایران» و میزگرد «قرار دادهای نفتی در بوته نقد» با شرکت گروهی از کارشناسان اقتصادی و نفتی کشور در تهران برگزار شد. در این نشست‌ها عملکرد وزارت نفت در زمینه اعطای قراردادهای بهره برداری از منابع نفت و گاز کشور به شرکت‌های خارجی، بویژه قراردادهای موسوم به بیع متقابل مورد انتقاد شدید کارشناسان دلسوز کشور قرار گرفت.

مسئولان وزارت نفت بجای استفاده از این فرصت جهت روشن کردن اذهان عمومی از طریق بحث شفاف و ارائه توضیحات و مدارک در حمایت از عملکردهای خود، موضع «همین که هست» را در برابر انتقادات وارده در پیش گرفتند.

در واقع، هر شخصیت، نیرو و سازمان سیاسی که اعتقاد به مبارزه با فساد و تبعیض و ارتش‌ها در جمهوری اسلامی داشته باشد، می‌توانست مبارزه با این بلای استقلال سوز کشور را از همین سر ماهی شروع کند و نه از دمی که در فلان اداره لای تله گیر می‌کند!

در همین شماره راه‌توده می‌خوانید که چنین امری بدلیل آلودگی‌های سیاسی و اقتصادی سردهندگان شعار مبارزه با فساد و تبعیض با این «سر» خود بیش از همه در این مبارزه ناتوانند، نه تنها ناتوانند، بلکه با مبارزان واقعی در این راه نیز سر ستیز و نابودی آنها را دارند. (مراجعه کنید به افشای نقش نژاد حسینیان، نماینده ایران در سازمان ملل، که در عین حال نماینده رهبر در امریکاست و یک سر تمام معاملات بیع متقابل نفت به او وصل است؛ و به مقاله «اقتدار ملی» در همین شماره راه‌توده)

«حسین کاظم پور اردبیلی»، نماینده ایران در سازمان اوپک و سرپرست امور بین‌المللی وزارت نفت، در میزگرد «قراردادهای نفتی در بوته نقد» و در مصاحبه‌ای با خبرنگار «دوران امروز» نظراتی را مطرح کرد، که با دقت کافی در آنها، نگرانی بجای کارشناسان دلسوز و افکار عمومی جامعه از عملکردهای وزارت نفت و استراتژی حاکم بر آن را تأیید می‌کند.

او در پاسخ به انتقادات وارده بر عملکرد وزارت نفت می‌گوید: «وزارت نفت استراتژی دارد و هرکس که مدعی غلط بودن آن است بی‌آید بحث کند که ما پاسخ بدهیم.» (۱)

البته، ایشان بطور مستقیم اشاره به استراتژی حاکم بر وزارت نفت نکرده، ولی بطور ضمنی و سرپوشیده در توضیح استراتژی انرژی که او از آن دفاع می‌کند می‌افزاید: «اگر بخواهیم از زاویه مشارکت در انرژی

بین‌المللی موازنه قدرت ملی را ایجاد کنیم باید رابطه تولید نفت ما با کویت و عربستان و حتی ونزوئلا حفظ شود. همه ارکان کشور به همین خاطر برنامه توسعه ظرفیت انرژی را تصویب کرده‌اند، پس از نظر قانونی ابهام نداریم. حالا برای توسعه تولید نیاز به سرمایه داریم و قانون راه عقد هرگونه قراردادی جز بیع متقابل را بسته است و هر شیوه‌ای که ممکن است بهتر از بیع متقابل باشد از سوی قانون رد شده‌است.

قبل از انقلاب وضعیت صنعت نفت بهتر بود، تولید ما ۶ میلیون بشکه در روز بود و در دانشگاه‌ها برنامه ریزی بهتری برای تدریس داشتند و تکنولوژی امریکائی در دسترس ما بود، اما بعد از انقلاب همه قراردادهای را ملغی و همه چیز را مصادره کردیم. بعد هم شرکت‌های خارجی را خلع ید کردیم و در دادگاه لاهه هم خسارت کارمان را پرداختیم.» (۲)

البته عبارت «ایجاد موازنه قدرت ملی از زاویه مشارکت در انرژی بین‌المللی» نامفهوم‌تر از آن است که بتواند استراتژی مورد نظر کاظم پور اردبیلی را توضیح بدهد، ولی به نظر می‌رسد منظور او افزایش ظرفیت تولید انرژی و بدست آوردن سهمی متناسب با سهم کویت، عربستان و ونزوئلا از بازار جهانی انرژی برای ایران باشد. ما هم مانند دیگر نیروهای ملی و میهن دوست با این هدف مشکلی نداریم، مشکل ما با استراتژی است که در جهت تحقق این هدف در پیش گرفته شده‌است.

کاظم پور اردبیلی می‌پذیرد که شیوه‌های بهتری از بیع متقابل هم برای جلب سرمایه خارجی و همکاری با شرکت‌های خارجی، در زمینه افزایش ظرفیت تولید انرژی نفت و گاز کشور وجود دارد، ولی او مسامحه در بکار گرفتن این شیوه‌ها را به گردن انقلاب و منبع قانونی مشارکت خارجی‌ها در صنایع نفت کشور، که ۲۵ سال پس از تصویب قانون ملی شدن و در نتیجه انقلاب بهمن ۵۷ در قانون اساسی کشور گنجانده شده می‌اندازد!

کاظم پور اردبیلی و جناحی که او سخنگوی آن در وزارت نفت است، به وضوح در استدلال‌ها و توضیحات خود می‌گویند: ما هم می‌دانیم که قراردادهای بیع متقابل بهترین شیوه تأمین منافع ملی نیست، ولی اگر قراردادهای بهتری می‌خواهید و از ما انتظار دارید که بهتر کار کنیم بروید قانون اساسی را تغییر داده و منع قانونی مشارکت خارجی‌ها در صنایع نفت و گاز را از میان بردارید!

بازگشت به گذشته!

آیا مشارکت شرکت‌های خارجی در صنایع نفت و گاز و بازگشت به شرایط قبل از انقلاب و سلطه کنسرسیوم غارتگر نفت در ایران، تنها راه گسترش ظرفیت تولید و بهترین شیوه تأمین منافع ملی است؟ از نظر ما پاسخ به این سؤال روشن است و تصادفاً خود کاظم پور اردبیلی هم در جای دیگری، پاسخ داده‌است. نامبرده در گفتگو با خبرنگار اقتصادی روزنامه «دوران امروز» می‌گوید:

«دقیقا نمی‌دانم علت بالا گرفتن اعتراض‌ها چیست، اما برای روشن شدن مساله یک مثال می‌زنم. در کشوری مثل ونزوئلا دولت پیشین، یعنی دولتی که قبل از ریاست آقای «چاوز» بر سر کار بود، قراردادهای نفتی به شیوه مشارکت در تولید منعقد می‌کرد. به عنوان مثال چند قرار داد منعقد کردند که طرف خارجی ۳۰ تا ۳۵ سال در تولید میدان‌های نفتی آنها شریک شد. بعد آقای «چاوز» مدعی شد که این نوع قراردادهای حاکمیت کشور را به خطر می‌اندازد و بعد هم مانور زیادی در این

